



مشایخی، کشاورز، ریاحی، خواجه‌امیری و شهیدی از زندگی این روزهای خود می‌گویند

درستایش پیری

سعید برآبادی

فعال باشد. و این امید را در چشمان پیرمرد می‌شود سراغ گرفت و وقتی که از پشت عینک به جهانی می‌نگرد که چنددهه نقش‌آفرین ارزشمندترین آثار هنری آن بوده‌است.

چندتوصیه از شهلای ریاحی

بازیگری که ۷۰سال پیش با بازی در نمایش هارون‌الرشید به دنیای سینمای ایران معرفی شد، هنوز از آن چهره‌هایی است که محال است کسی او را ببیند و نشناسد. شهلای ریاحی، البته به‌خاطر کهولت سن، کم حرف شده و عموماً در مکان‌هایی که دعوت می‌شود با رسانه‌ها سخن نمی‌گوید. اما او در دومصاحبه مفصل و چندقط‌وگوی پرآکنده، از کهنسالی و پیری در وادی هنر سخن گفته است؛ گفته‌هایی که بیشتر حکایت از تجربه او در عالم بازیگری دارند و حس مادرانه‌ای که می‌خواهد این تجربه‌ها را به نسل‌های بعد منتقل کند: «اولین شرط برای ورود به حرفه بازیگری، کنار هم قرار گرفتن استعداد و علاقه است، این چنین است که می‌شود ماندگار شد و به موفقیت در بازیگری رسید.» با این همه ریاحی یک‌بار در سریال «این خانه دور است» نقشی را تجربه کرده که ارتباط مستقیمی با موضوع پیری دارد. اما از آن سریال یک خاطره چندده‌ساله برایش باقی مانده بود: «بعد از این سریال با حمیده خیرآبادی، صمیمی‌تر از قبل شدم و این ارتباط با دیدارهای هرروزه یا لاقال تماس‌های تلفنی در جریان بود تا اینکه او را هم از دست دادم.» حکایت کمتر شنیده شده روزگار کهنسالی، شاید همین مرگ عزیزان باشد که ریاحی، لاقال دوبار آن را با مرگ همسر مهربانش و یار دیرینه‌اش در دنیای بازیگری به خوبی تجربه کرده.

محمدعلی کشاورزوتجربه‌آموزی به نسل‌های بعد

محمدعلی کشاورز این‌روزها با شایعه‌ها روزگار می‌گذراند؛ آنهایی که با او کمتر در ارتباط هستند فکر می‌کنند که ممکن است به همین زودی‌ها کاسه صبرش لبریز شده و با آنها که اخبار دروغینی درباره او در رسانه‌های مجازی منتشر می‌کنند، برخورد کند. اما آنها که این بازیگر پیشکسوت و نقش‌آفرین بسیاری از نقش‌های پرآخراطر سینما و تلویزیون ایران را می‌شناسند، می‌دانند که کشاورز برای روزگار سالمندی هنرمندان چیزی جز احترام نمی‌خواهد و معتقد است که تنها در صورت برقراری همین ارتباط محترمانه است که می‌شود زمینه تجربه‌آموزی به نسل‌های بعد را فراهم کرد: «افرادی به سن ۸۰سال من، دیگر در شرایطی نیستند که بخوانند فخر بفروشند، اگرچه که نسل ما در دنیای بازیگری با خاک صحنه آشنا بود و فروتن. به نظر این زمان، زمان نشستن و ماندن در گوشه خانه نیست. بازیگران پیشکسوت بیش از هرچیز مایلند در ارتباط با جوانان باشند و این ارتباط در صورت برقراری می‌تواند زمینه‌ساز انتقال تجربه‌های مهمی باشد.» او به خاطره حضور در ده‌ها فیلم و سریال اشاره می‌کند و می‌گوید که اگر در هر کدام از این پروژه‌ها

روایت «ابراهیم حقیقی» از ایده‌خانه سالمندان هنرمند

این خانه دور نیست



عباس، آخرین رویار

فیلم و احتمالاً محلی برای برگزاری دیدارهای مردمی با هنرمندان. او در این‌باره توضیح می‌دهد: «واقعیت این است که بسیاری از هنرمندان پیشکسوت کشور از چهره‌های سرشناس جامعه هستند و مردم تمایل زیادی به دیدار با آنها دارند، خانه سالمندان هنرمند باید به‌گونه‌ای باشد که امکان این دیدارها را در محیطی آرام و صمیمی فراهم کرده تا ارتباط این مرکز با جهان بیرون قطع نشود.»

هزارتوی تصمیم‌گیری‌ها

هیچ دولت و نهاد تصمیم‌گیری در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی کشور، مخالف ساخت خانه سالمندانی ویژه هنرمندان نبوده اما این که چرا چنین طرحی سال‌ها از فهرست مطالبات و هدفگذاری نهادهای بالادستی به دور بوده، موضوعی است که جای بررسی دارد. با این همه حتی طرح ابراهیم حقیقی نیز، طرح تازه‌ای نیست و او تا رساندنش به گوش مسوولان راه پریچ‌وخمی را طی کرده است: «چند سال پیش، طرح را برای اولین بار به شورایعالی خانه هنرمندان برده و در آنجا مطرح کردم. خاطرم هست که با آقایان انتظامی، سریر و فراهانی در این جلسه حضور پیدا کردیم و حتی بعد از آن ملاقات‌هایی هم داشتیم. اگر در این ملاقات‌ها، اسانسنری برای اجرای طرح و ساخت خانه هنرمندان سالمند پیدا شد اما او سرمایه‌گذاری‌اش را مشروط به این موضوع می‌دانست که شهرداری تهران زمین این طر را در اختیارش بگذارد.» مشکلات از همین جا شروع می‌شود. شهرداری چندبار زمین‌هایی را برای این طرح معرفی می‌کند اما غالباً دو مشکل عمده دارند: «زمین‌هایی که معرفی می‌شد یا بسیار کوچک بودند یا از شهر فاصله زیادی داشتند و به

زاویه

فصل خوش زندگی

تصویری از پیری در هنر

مریم حسینی

کمتر کسی می‌تواند مثل رخشان بنی‌اعتماد روزگار پیری هنوزنیامده‌خود را توصیف کند. شاید ۲۰۲ فقط یک‌اپیزود از چهاراپیزود مستند کهریزک باشد اما با جزئیات زیاد به آن پرداخته است. این رویکرد می‌تواند به‌نوعی راه‌حلی باشد برای همه کسانی که از آینده می‌هراسند؛ همان آینده‌ای که هرکس به‌گونه‌ای از آن می‌ترسد، یکی می‌شود همان زن چینی که در ۲۸سالگی و در مدت شش‌ماه اندازه ۷۰سالگی شد و دیگری می‌شود فریماه فرجامی که پس از ۱۱سال دوباره آمده و مشکلی با اینکه چهره پیرش بر پرده‌های بزرگ سینما نمایش داده شود، ندارد. اما تعداد کسانی که از پیری فرار می‌کنند، فراوان است، یکی از احمد شاملو» چشمانش زده و هوشیار است. این موزیسین پیشکسوت کشور معتقد است که نباید هنرمندان سالمند را فراموش کرد و تأکید می‌کند: «آنچه که هنر در هر جامعه‌ای به آن نیازمند است، همراه کردن هنرمندانی است که شاید به دلیل کهولت سن و مشکلات و بیماری‌ها، خانه‌نشین شده باشند. اگر آنها را در خانه فراموش کنیم، عملاً زمینه از بین رفتن بخشی از تاریخ هنر را فراهم کرده‌ایم.» شهیدی به برگزاری جشن‌ها و مراسم‌های مختلف اشاره می‌کند که در آنها با دعوت از پیشکسوتان عرصه هنر، زمینه ارج نهادن از خدمات هنری آنها فراهم می‌شود و معتقد است که برنامه‌هایی از این دست باید بیشتر و بیشتر شوند: «چنین فعالیت‌هایی، بزرگ‌ترین خدمت به اهل هنر این کشور است، باید دل‌های شکسته هنرمندان قدیمی را ترمیم کرد و به آنها بها داد؛ چرا که آنها تمام وقت خود را صرف ارتقای فرهنگ کشور خود کرده‌اند و حالا زمان برداشت محصول است، نه نشستن در خانه.»

ایرج وخاطره‌هایی که زنده می‌مانند

عبدالوهاب شهیدی نیاز به معرفی ندارد؛ او اگرچه مدتی است با کسالت‌های مداوم دست‌وپنجه نرم می‌کند اما ذهنش هوشیار و به قول «احمد شاملو» چشمانش زنده و هوشیار است. این موزیسین پیشکسوت کشور معتقد است که نباید هنرمندان سالمند را فراموش کرد و تأکید می‌کند: «آنچه که هنر در هر جامعه‌ای به آن نیازمند است، همراه کردن هنرمندانی است که شاید به دلیل کهولت سن و مشکلات و بیماری‌ها، خانه‌نشین شده باشند. اگر آنها را در خانه فراموش کنیم، عملاً زمینه از بین رفتن بخشی از تاریخ هنر را فراهم کرده‌ایم.» شهیدی به برگزاری جشن‌ها و مراسم‌های مختلف اشاره می‌کند که در آنها با دعوت از پیشکسوتان عرصه هنر، زمینه ارج نهادن از خدمات هنری آنها فراهم می‌شود و معتقد است که برنامه‌هایی از این دست باید بیشتر و بیشتر شوند: «چنین فعالیت‌هایی، بزرگ‌ترین خدمت به اهل هنر این کشور است، باید دل‌های شکسته هنرمندان قدیمی را ترمیم کرد و به آنها بها داد؛ چرا که آنها تمام وقت خود را صرف ارتقای فرهنگ کشور خود کرده‌اند و حالا زمان برداشت محصول است، نه نشستن در خانه.»

ایرج وخاطره‌هایی که زنده می‌مانند

در دنیای امروز، هنر بازنشستگی ندارد؛ حتی بسیاری از افرادی که پا به این حوزه می‌گذارند، «جاودانگی» را گمشده خود تلقی می‌کنند. پس چطور می‌تواند صدای «ایرج» زنده نباشد؟ چطور می‌شود آن «صدای شش‌دانگ» که از حنجره پرندگان بیرون می‌آید با کهولت سن نجنگد و پیروز نشود. ایرج خواجهرامیری اما از معدود پیشکسوتان هنری است که پیری را دوست ندارد و می‌گوید همیشه به آن در نبرد است: «وقتی که اینجا و در میان جمع دوستان هنرمندم به اجرای قطعه‌های پرآخراطر مشغول می‌شوم، احساس می‌کنم که از هر زمان دیگری جوان‌تر هستم. وقتی که می‌خوانم، احساس زندگی و زنده‌بودن را به معنای دقیق کلمه تجربه می‌کنم و این حسی نیست که گذر زمان بتواند با آن مقابله کند.» او خود را هنرمندی مردمی می‌داند که همیشه به ارتباط و اظهارلطف دوستدارانش، زندگی را تجربه کرده و خوشحال است از این بابت که هنوز می‌تواند با زنده کردن خاطرات خوب گذشته، دل‌ها را شاد کند: «هر موسیقی که اجرا می‌شود، خاطراتی را زنده می‌کند و هنرمند با زنده‌کردن همین خاطرات، خود به خاطره خوبی برای مردمش بدل می‌شود و راز جاودانگی برای من، در همین است.»

همین خاطر طرح خانه سالمندان هنرمند نتوانست به اجرا درآید.» در قدم بعدی، ابراهیم حقیقی طرح خود را با صندوق حمایت از هنرمندان در میان می‌گذارد: «فعلاً طرح در اختیار این صندوق است و قول داده‌اند آن را بررسی کرده و نتیجه را اعلام کنند.» خانم خوشعار، معاون این صندوق هم ضمن تأیید این موضوع می‌گوید: «طرح خانه سالمندان هنرمند با نظر مثبت ریاست صندوق حمایت از هنرمندان در اختیار تیم‌های کارشناسی قرار گرفته تا درباره چند و چون اجرایی آن به نتیجه روشنی برسند و به زودی، حاصل این بررسی اعلام خواهد شد.»

ایده اولیه‌خانه سالمندان هنرمند

خانه سالمندان هنرمند می‌تواند یک پاسخ سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده به مطالبه و حق هنرمندانی باشد که عمر خود را وقف رضایت مخاطبان خود کرده‌اند. اما متأسفانه در طول سال‌ها فعالیت هنری، از کمترین امکانات رفاهی، خدماتی و حمایتی برخوردار بوده‌اند. ابراهیم حقیقی وقتی که می‌خواهد توضیح دهد که ایده اولیه راه‌اندازی چنین مرکزی چطور به ذهنش خطور کرده، بعد از این مقدمه به تلاش‌های عزت‌الله انتظامی اشاره می‌کند که سال‌ها یک‌ت‌ه هنرمندان سالمند یا نیازمند را شناسایی کرده و برای حل مشکلاتشان آستین بالا زده است: «واقعیت این است که مشکلاتی از این دست که هنرمندان با آن درگیر هستند به اندازه‌ای زیاد و گوناگون است که با همه تلاش‌های جان‌بخش انتظامی، باز هم بسیاری از هنرمندان به دلایلی از این چتر حمایتی برخوردار نمی‌شدند و همین موضوع، مرا واداشت که باید با تفکری بنیادی، این مشکل برای همیشه حل شود.» او تأکید می‌کند که شرایط امروز جامعه هنری کشور به گونه‌ای است که بسیاری از هنرمندان از بیمه‌های خدمات درمانی بی‌بهره‌اند و حتی بسیاری براساس قوانین رایج، حقوق بازنشستگی ندارند، در حالی که هنرمندان نیز همچون دیگر فعالان عرصه‌های گوناگون کار و صنعت، سال‌ها وقت و انرژی جوانی خود را صرف کشورشان کرده‌اند. حقیقی معتقد است که ایجاد خانه سالمندان هنرمند، گامی است که اگر درست و به موقع برداشته شود، می‌تواند جهت رفع بسیاری از مشکلات در این عرصه عمل کرده و به ارتقای جایگاه هنرمندان پیشکسوت کشور بینجامد. با این حساب، اگر در حوزه فرهنگ و هنر، آن‌طور که مسوولان وزارت ارشاد می‌گویند، روی پاشنه تازه‌ای چرخیدن گرفته باشد، این امید هست که سالمندی، فرصت خوبی برای هنرمندانی باشد که با حضور در چنین مراکز، علاوه بر گردهم آمدن و رفعتنهایی روزگار، به خلق و آفرینش‌های هنری خود ادامه دهند و شاید آن موقع بشود گفت که هیولای خانه سالمندان، دیگر خیلی هم ترسناک نیست؛ چرا که «این خانه دور نیست.»

زندگی دیگران

بهشتی برای روزگار پیری

اکرم جوانمرد

آمریکایی‌ها بازنشستگان و سالمندان را به ابالت‌های حاشیه‌ای تبعید می‌کنند؛ بیشتر آمریکایی‌ها به‌محض بازنشستگی از شهرهای بزرگی که هزینه زندگی در آنها پایین‌تر است، کوچ می‌کنند و اگر خیلی شانس بیاورند سر از جایی مثل دالاس درمی‌آورند. برخلاف روزهای جوانی که ایالات‌متحده بهشتی برای پیشرفت و زیستن به‌نظر می‌آید، در روزگار سکون و بازنشستگی هیچ‌کدام از بیمه‌ها و مستمری‌ها برای طبقه متوسط، زندگی روزگار جوانی را بازسازی نمی‌کنند.

حتی برای سالمندان آمریکایی هم سیاست‌های حمایتی که در کشورهای شمال‌اروپا ارایه می‌شود، حسرت‌برانگیز است. در روزهای میانسالی و بازنشستگی، بهشت خوب‌زیستن و استفاده از امکانات بهداشت و رفاه اجتماعی جایی نیست جز سرزمین‌های اسکانندیناوی و در این میان، کشور سوئد سرآمد فراهم‌کردن بستری برای آرامش و رفاه سالمندان به حساب می‌آید.

سوئد بیش از ۲/۵درصد از سود تولید ناخالص ملی خود را صرف برنامه‌های حمایتی از سالمندان می‌کند و در رده‌های بعدی، کشور نروژ و دانمارک قرار دارند. این میزان از درآمد برای تأمین زندگی و رفاه تنها ۱۸درصد از جامعه جمعیتی سوئد صرف می‌شود که به خودی‌خود نشان از اهمیت سلامت و رفاه در سیاست‌گذاری‌ها دارد. درواقع سوئد از جمله کشورهای است که سالمندانش علاقه‌ای به ترک شهرهای بزرگ و زیستن در حاشیه شهرها و رفتن به خانه‌های سالمندان ندارند. سال گذشته موسسه مطالعاتی اسناک سوئد نتیجه پژوهشی را منتشر کرد که براساس بررسی زندگی نزدیک به هشت‌هزارسالمند انجام شده بود، براین اساس سالمندان در شهرهای بزرگ سوئد زندگی سالم‌تری دارند. سیاست‌های حمایتی دولت سوئد شامل افرادی می‌شود که بالای ۶۰سال دارند. موسسه اسناک همه‌ساله پژوهش‌هایی را درباره زندگی افراد سالمند انجام می‌دهد که نتایج آن در اختیار شهرداری‌ها قرار می‌گیرد و براین اساس این نهاد برای رسیدگی به جامعه سالمند این کشور که آمارهایش در حال افزایش است، برنامه‌ریزی می‌کند. با توجه به سیاست‌گذاری‌های دولت در بخش سلامت و بهداشت و رفاه طبیعی است که تعداد افراد سالمند در این کشور طی سده‌دهه گذشته افزایش یافته، چرا که سوئد یکی از بالاترین آمارها را در زمینه سن امیدبه‌زندگی دارد.

طی سال‌های اخیر، شهرداری سوئد به‌عنوان متولی اصلی رسیدگی و حمایت از جمعیت سالمند، برنامه‌های ویژه‌ای را ترتیب داده است، یکی از آنها که داوطلبانه است و طی این سال‌ها با استقبال روبه‌ور شده، درنظرگرفتن بخشی از ثروت و دارایی افراد سالمند برای کمک به صندوق‌های حمایت از سالمندان است. به این ترتیب سالمندان سوئندی در ازای خدمات رفاهی که از سوی دولت دریافت می‌کنند، بخشی از دارایی‌شان را در وصیتنامه برای کمک به این صندوق اهدا می‌کنند. با این‌حال این بخش کاملاً داوطلبانه است و براساس آمارها تقریباً ۸۷درصد از افراد سالمند



بالای ۶۰سال سوئدی، زندگی با استاندارد بالا را سپری می‌کنند و بیش از ۳۰۰واحد خدماتی در شهرداری‌های این کشور موظف هستند خدمات مراقبتی، بهداشتی، دارویی، حمل‌ونقل و بهداشت را در خانه‌های شخصی سالمندان به این افراد ارایه دهند. درواقع در این سیاست‌گذاری، اصلی‌ترین مساله این است که سالمند را از جامعه رده‌تکاپو جدا نکنند، به این ترتیب وقتی فرد سالمند می‌تواند خدمات رفاهی و بهداشتی را در خانه شخصی خود و نه در خانه سالمندان دریافت کند، خودبه‌خود مساله امیدبه‌زندگی و سلامت او بیشتر حفظ می‌شود. طی سال‌های اخیر برنامه حمایتی از سالمندان حتی در شهرهای بزرگ از تحویل همه‌روژه غذای گرم گرفته تا کمک به نظافت خانه، خرید و تعبیه زنگ‌های اوزرآنسی برای خطرات احتمالی از جمله این خدمات است. از سال ۲۰۰۶، سالمندان با طرح سالم‌سازی و تطبیق شهرداری‌ها می‌توانند آپارتمان‌هایشان را عوض کنند. براین اساس سالمندان معلول یا حتی دارای ضعف جسمانی در خانه‌هایی باید زندگی کنند که احتمال خطرات احتمالی را درباره آنها کاهش دهد.

هرچند سن بازنشستگی اکنون در این کشور به ۶۵سال رسیده است، اما دولت از بازنشستگانی که از خود توان کار می‌بینند درخواست می‌کند که خیلی‌زود وارد دوران خانه‌نشینی نشوند، آنها می‌توانند بخشی از این خدمات رایگان را دریافت کنند و درعین‌حال کاری نیمه‌وقت هم داشته باشند، جدای از خدماتی که شهرداری به افراد بازنشسته و سالمند ارایه می‌کند، استفاده از تمام خطوط حمل‌ونقل شهری برای این افراد رایگان است و آنها می‌توانند با «ایله» (سیس‌خوب بازی کرده است، انگار این‌روزها بیش‌از هر زمان دیگری جای خالی پرویندخت یزدانیان، بی‌بی‌سی مجید و رقیه چهره آزاد خوندنمای می‌کند و اگر یک انتخاب داشته باشیم، هنوز مادر، ساخته علی حاتمی در به‌تصویرکشیدن روزهای پیری ماندگارترین است. همه اینها یک نکته را بیش‌از هرچیز به‌رخ می‌کشد: پیری را فراموش نکنیم و دوستش داشته باشیم.

سوئد بیش از ۲/۵درصد از سود تولید ناخالص ملی خود را صرف برنامه‌های حمایتی از سالمندان می‌کند و در رده‌های بعدی، کشور نروژ و دانمارک قرار دارند. این میزان از درآمد برای تأمین زندگی و رفاه تنها ۱۸درصد از جامعه جمعیتی سوئد صرف می‌شود که به خودی‌خود نشان از اهمیت سلامت و رفاه در سیاست‌گذاری‌ها دارد. درواقع سوئد از جمله کشورهای است که سالمندانش علاقه‌ای به ترک شهرهای بزرگ و زیستن در حاشیه شهرها و رفتن به خانه‌های سالمندان ندارند. سال گذشته موسسه مطالعاتی اسناک سوئد نتیجه پژوهشی را منتشر کرد که براساس بررسی زندگی نزدیک به هشت‌هزارسالمند انجام شده بود، براین اساس سالمندان در شهرهای بزرگ سوئد زندگی سالم‌تری دارند. سیاست‌های حمایتی دولت سوئد شامل افرادی می‌شود که بالای ۶۰سال دارند. موسسه اسناک همه‌ساله پژوهش‌هایی را درباره زندگی افراد سالمند انجام می‌دهد که نتایج آن در اختیار شهرداری‌ها قرار می‌گیرد و براین اساس این نهاد برای رسیدگی به جامعه سالمند این کشور که آمارهایش در حال افزایش است، برنامه‌ریزی می‌کند. با توجه به سیاست‌گذاری‌های دولت در بخش سلامت و بهداشت و رفاه طبیعی است که تعداد افراد سالمند در این کشور طی سده‌دهه گذشته افزایش یافته، چرا که سوئد یکی از بالاترین آمارها را در زمینه سن امیدبه‌زندگی دارد.

طی سال‌های اخیر، شهرداری سوئد به‌عنوان متولی اصلی رسیدگی و حمایت از جمعیت سالمند، برنامه‌های ویژه‌ای را ترتیب داده است، یکی از آنها که داوطلبانه است و طی این سال‌ها با استقبال روبه‌ور شده، درنظرگرفتن بخشی از ثروت و دارایی افراد سالمند برای کمک به صندوق‌های حمایت از سالمندان است. به این ترتیب سالمندان سوئندی در ازای خدمات رفاهی که از سوی دولت دریافت می‌کنند، بخشی از دارایی‌شان را در وصیتنامه برای کمک به این صندوق اهدا می‌کنند. با این‌حال این بخش کاملاً داوطلبانه است و براساس آمارها تقریباً ۸۷درصد از افراد سالمند